

۳. بنیادهای توسعه‌ی پایدار^۱

نمایندگانی از کشورهای گوناگون جهان به مناسبت بزرگداشت دهمين سالگرد همایش جهانی توسعه و محیط زیست، معروف به «اجلاس زمین در ریو»، در ژوهانسبورگ گرد آمدند و اعلام داشتند:

ما، نمایندگان مردم جهان... تعهد خود را نسبت به توسعه‌ی پایدار اعلام می‌داریم... به همین خاطر، مسئولیت دسته‌جمعی خود را در راه پیشبرد و تقویت همبسته و دوجانبه ارکان توسعه‌ی پایدار - توسعه‌ی اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست - در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی را مورد تأیید دوباره قرار می‌دهیم.

تجدید عهد بالا از اهمیت فراوانی برخوردار است اما نخست لازم است بدانیم توسعه‌ی پایدار به چه معنی است؟ تعهد بالا چه الزاماتی را در پی دارد؟ آیا ما واقعاً نیت انجام آن را داریم؟ و چگونه به هدف‌های آن خواهیم رسید؟ به هر حال، در سال ۲۰۰۲ خطابی بالا چیز تازه‌ای نبود، همچنان که پیش از آن، بیانیه‌ی ژوهانسبورگ اعتراف می‌کرد که:

سی سال پیش، در استکھلم، پذیرفتیم که لازم است هرچه زودتر برای جلوگیری از ویرانی بیشتر محیط زیست راه کاری برگزینیم. ده سال پیش، در همایش محیط زیست و توسعه‌ی سازمان ملل که در ریودوژانیرو برگزار شد، پذیرفتیم که در توسعه‌ی پایدار دو عامل حفاظت از محیط زیست و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، از اهمیت بنیادینی برخوردارند. پیرو آن، برنامه‌ی جهانی «دستور کار ۲۱» و بیانیه‌ی ریو را تصویب کردیم...

حاضر را قابل قبول و لازم ارزیابی کنند.

یکی از برتری‌های طرفداران جدید محیط زیست نسبت به هواداران پیشین این جنبش در این است که پیروان جدید قادرند داده‌های لازم را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کنند. با وجودی که ضعف‌هایی در جنبش تازه دیده می‌شود، اما اطلاعات و دانشی که در دسترس است، امکان رویارویی با برخی از مشکلات روزافزون محیط زیست را فراهم ساخته است. تا زمانی که دانش ما به مرحله‌ی عمل در نیاید، کند کردن ویرانی محیط زیست و در نهایت پایان بخشیدن به آن، که جهان را مورد تهدید قرار داده است، امکان‌پذیر نخواهد شد.

۱. این مقاله از کتاب زیر انتخاب شده است:

Phillip J. Cooper, "The foundations of sustainable development", in *Implementing Sustainable Development: from global policy to local action*, Phillip J. Cooper and Claudia Maria Vargas, (Rowman & Littlefield Publishers, c2004).

زیست و توسعه، معروف به کمیسیون برتلند^۱ (به نام رئیس همايش) ارائه کرده است. این کمیسیون در گزارش «آینده مشترک ما» نوشت:

بشریت توانایی آن را دارد که توسعه خود را پایدار کند. این به آن مفهوم است که به نیازهای فوری خود پاسخ دهد بی‌آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهایشان خدشه‌دار سازد.

این تعریف، در درازای زمان و هماشی‌های جهانی، با تعهداتی از سوی کشورهای گوناگون آراسته شده است. در تشریح هدف‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی پایدار، لازم است که به سه عنصر بنیادین درونمایه‌ی تعریف همايش برتلند اشاره کنیم. یکم، همان‌گونه که جرج پرکین مارش در قرن پیش (در یکی از کوشش‌های اولیه برای تشریح چیزی که ما «توسعه‌ی پایدار» می‌نامیم) خاطرنشان ساخت، بشریت همواره بر کره‌ی زمین تأثیر گذاشته و خواهد گذاشت. در برخی مواقع این تأثیر مثبت اما در اغلب موارد ویرانگر بوده است. توسعه‌ی پایدار بر این گمان است که بشریت با توسعه‌ی زندگی و جامعه‌اش و برای اطمینان بخشیدن به رفاهش، چه بخواهیم و چه نخواهیم، بر محیط زیست تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. دوم، اگر ما رابطه‌ی مان را با محیط زیست پایدار نسازیم، سرانجام در رسیدن به هدف‌های خانوادگی و اجتماعی مان، در درازمدت، با شکست رویه‌رو خواهیم شد. در این باره ما معمولاً به سنت بومیان آمریکا اشاره می‌کنیم که برای سنجش اعمال امروزی‌شان پیامدهای آن را تا هفت نسل آینده در نظر می‌گیرند. سوم، یکی از یافته‌های بنیادی کمیسیون برتلند بر این واقعیت استوار است که تنها با تکیه بر توسعه‌ی اقتصادی و حفاظت از محیط زیست نمی‌توان به توسعه‌ی پایدار دست یافت. این توسعه تنها زمانی بخت پیروزی خواهد داشت که ساختار آن بر مثلث زندگی تکیه زند که میان توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی (مشارکت مردم، گسترش دمکراسی...) و

بر پایه‌ی کاوشی خوشبینانه، پیشینه‌ی عملی ما در سال‌های پس از بیانیه‌های پر آب و تاب بالا، دارای نقاط قوت و ضعف فراوان بوده است. جامعه‌ی جهانی در حالی سده‌ی بیست و یکم را جشن گرفت که درآمد حدود سه میلیار نفر در جهان کمتر از ۲ دلار در روز است. در حالی که حجم مبادلات ارزی روزانه به حدود ۱/۵ میلیارد دلار می‌رسد، نابرابری میان ملت‌ها رو به افزایش است. از بابت محیط زیست، شاهد گرم شدن کره‌ی زمین و دگرگونی‌های دیگر آب و هوایی هستیم. شاخص‌های دیگر زیست‌محیطی، از چالش‌های جدی دیگری خبر می‌دهند. بررسی‌های اجتماعی موضوعات انسانی مهم دیگری را آشکار می‌سازند. هنوز بسیاری از کودکان جهان از آموزش محروم‌اند. برای نمونه، بر پایه‌ی گزارش بانک جهانی، جوانان ۱۵-۱۹ ساله ۲۰ درصد خانوارهای ثروتمند هندی، به طور متوسط کلاس دهم را به پایان رسانده‌اند، در صورتی که کودکان ۴۰ درصد خانوارهای تهی‌دست‌ترین اقتصار جامعه‌ی هند، کاملاً بی‌سودانند. خوش‌بینانه‌ترین برآورد بر آن است که در سال ۲۰۰۵ تنها ۴۷ درصد دختران سینی دبستانی، به مدرسه راه می‌یابند. آشکارا باید گفت که شکافی اجرایی میان تعهدات توسعه‌ی پایدار و دست‌آوردهای ملموس آن دیده می‌شود. با وجود این، شرایطی که بشریت را ملزم ساخت که به پذیرش و اجرای مفهوم توسعه‌ی پایدار تن دهد، هر ساله وخیم‌تر می‌شود، و این واقعیتی است که در بیانیه‌ی ژوهانسبورگ به آن اعتراف شده است.

با توجه به واقعیت‌های موجود، نیاز داریم با دقت دریابیم که معنی «توسعه‌ی پایدار» چیست... چگونه می‌توانیم با واقع گرایی با چالش‌هایش در قرن بیست و یکم رویه‌رو شویم، و از چه طریق راه کاری برای مشکلات اجرایی آن بیابیم تا بتوانیم به قول و قرارها جامه‌ی عمل پیوشاویم...

توسعه‌ی پایدار چیست و اهمیت آن در کجاست
بهترین تعریف متداول برای توسعه‌ی پایدار را کمیسیون جهانی محیط

پایدار نمی‌گنجد، سخن گفته شود:
یکم، این نگرش، ارائه‌ی راهی برای رسیدن به ناکجا آباد نیست. می‌توان از آن در طرح‌ها و برنامه‌های موجود استفاده کرد، آن را برای برآورده تک‌تک پروژه‌ها به کار برد و یا پایه‌ی گفتگوهای برنامه‌ریزی‌های کلان قرار داد؛ اما از ساده‌اندیشی عامیانه به دور است. در زمانه‌ای که کارشناسان مایلند پاسخ‌های شتابزده‌ای عرضه کنند، توسعه‌ی پایدار رویکرد صادقانه‌ای را بر می‌گزینند که در آن برای نویده‌های توخالی جایی نیست.

دوم، رویکردی نیست که تنها بر محیط زیست تمرکز کند. این کاملاً حقیقت دارد که توسعه‌ی پایدار با پذیرش این واقعیت به وجود آمد که برای رسیدن به آینده‌ای پایدار باید از محیط زیست حفاظت کرد، اما به این اصل ختم نمی‌شود. براستی کمیسیون بر تلنند تأکید می‌کند که:

قلمرو محیط زیست جدا از فعالیت‌ها، بلندپروازی‌ها و نیازهای انسانی وجود خارجی ندارد، و کوشش‌هایی که در برخی مخالف سیاسی برای تعریف آن بی‌توجه یه دغدغه‌های بشر انجام شده است، به کلمه‌ی «محیط زیست» مفهومی خام بخشیده است.

اما «محیط زیست» جایی است که همه‌ی ما در آن زندگی می‌کنیم؛ و «توسعه» عبارت از کارهایی است که برای بهبود فضای خود که در منزلگاه همگانی جای گرفته است، انجام می‌دهیم.

توسعه‌ی پایدار بر این باور است که انسان‌ها بر محیط زیست تأثیر فراوان گذاشته‌اند و متقابلاً به سیله‌ی آن شکل گرفته‌اند. روشن است که بشریت از جنبه‌های بسیاری با جانداران دیگر متفاوت است. آدمی نه تنها می‌تواند موجودات دیگر را از میان بردارد، بلکه قادر است محیط زیست جهانی را نیز نابود کند. به همین دلایل، کمیسیون بر تلنند موضوعات زیر را مطرح کرد: یکم، آشفتگی^۱‌های زیست‌محیطی با یکدیگر پیوند دارند.

حفظ محیط‌زیست توازن برقرار می‌سازد. براستی به گمان کمیسیون یاد شده، یکی از دلایل بنیادینی که در کوشش‌هایمان برای دسترسی به توسعه‌ی پایدار شکست خورده‌ایم، گرایش به درگیر شدن در مناقشات طرفداران محیط زیست و صاحبان صنایع بوده است؛ و این در حالی است که به تأثیرات فقر، بیماری، و نابرابری بر اکثریت مردم جهان بی‌اعتنای بوده‌ایم. شاید تعجب برانگیز باشد که بانک جهانی نیز به همین نتیجه دست یافته است.

چیزی که درباره‌ی جامعه‌ی جهانی حقیقت دارد، در مورد کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا نیز صادق است. شواهدی در دست است که در این کشور در طی سال‌های ۱۹۹۰، در برخی از رشته‌ها، جنب و جوشی به سوی توسعه‌ی پایدار به چشم می‌خورد، اما به طورکلی، پریشانی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باشد تا از گذشته همه‌گیر بوده است. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته، از جنبه‌های زیادی، در وضعیتی بسیار متفاوت از کشورهای توسعه‌نیافته‌اند، با وجود این، آنها نیز درباره‌ی آینده‌ی خود از اعتماد به نفس لازم و رضایت خاطر کافی برخوردار نیستند. بنابراین، در اصل، توسعه‌ی پایدار شیوه‌ای از زیستن، اندیشه‌یدن، حکومت کردن و به فعالیت اقتصادی دست یازیدن است. همچنین، رویکردی برای سنجش طرح‌ها، برنامه‌ها و عملیات است. در پی آن است تا گزینه‌های امروزی را برای حفاظت از گزینه‌های فردا، با میل به برقراری توازن میان سه عنصر مثبت زندگی، هدایت کند.

توسعه‌ی پایدار شامل چه چیزهایی نیست
ما در دورانی زندگی می‌کنیم که افراد، گروه‌ها و دولتمردان دوست دارند با طرح شعارها و یا برنامه‌های ساده، راه کاری برای مشکلات پیچیده بیانند.
هنگامی که مردم بسیاری به دنبال چاره‌ای شتابزده و گیرا برای رفع نگرانی و درماندگی هایشان هستند، لازم است درباره‌ی چیزهایی که در توسعه‌ی

دوم، این آشتفتگی‌ها با الگوهای توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ارتباطند.

سوم، این خصوصیات عمومی تنها در عرصه‌ی ملی دیده نمی‌شوند بلکه جنبه‌ی جهانی نیز دارند.

باتوجه به دلایل بالا، علم محیط زیست نیز، باوجودی که در تصمیم‌گیری برای توسعه‌ی پایدار عنصر مهمی است، هرگز نمی‌تواند به تنها یک پاسخی برای آینده‌ای پایدار به شمار آید. از این رو شگفت‌آور نیست که برخی از طرفداران تندر و محیط زیست به توسعه‌ی پایدار ارجح نمی‌نهند. با این حال بسیاری از فعالان این جنبش نیز بر این توسعه به عنوان رویکردی واقع‌بینانه تکیه می‌زنند که قادر است به بناهای نظری حفاظت از محیط زیست جامه‌ی عمل پوشاند.

سوم، توسعه‌ی پایدار به الگوهای برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای چسیده نیست. اگر به مضمون این طرح درست نگاه کنیم، در می‌باییم که این توسعه فراتر از طرح و اجرای پروژه‌های افرادی و فضاهای کالبدی است.

بنابراین، جای شگفتی نیست که برخی از برنامه‌ریزان نیز با توسعه‌ی پایدار میانه‌ی خوبی نداشته باشند. بیشتر موقع با زبان پایداری^۱ سخن می‌گویند اما برداشت‌شان از این مفهوم محدودتر از تعهدات جهانی در این زمینه است. بسیاری ترجیح می‌دهند از جنبش «رشد هوشمند» هوداری کنند، در

صورتی که این مفهوم، خود، بخش کوچکی از طرح گستردگی بالاست. افزون بر این، توسعه‌ی پایدار را نمی‌توان به سادگی به فرایند دریافت «داده»^۲ و «بازخورد»^۳ در طرح‌های کالبدی شهری فروکاست... در عین حال، ترفندی نیست که مردم را به دست کشیدن از طرح‌هایشان به سود برنامه‌های جانشین وادارد.

همان‌گونه که از ملاحظات بالا پیداست، قصد بر این نیست که توسعه‌ی پایدار به عنوان حاصل کار مشاوران به جامعه ارائه شود، اما در صورتی که

منابع و توانایی‌های سازندگی موجود در جامعه را به کار گیرد، معمولاً بهترین نتایج را به دنبال دارد. این توسعه، از آنجا که روشی برای زندگی است، بر جلب مشارکت گسترده‌ی مردم تأکید دارد. ایده‌ها و برنامه‌هایی که در محل و با مشارکت مردم طراحی می‌شوند معمولاً پابرجا می‌مانند زیرا احساس تعلق ایجاد می‌کنند. بنابراین، شعار «بومی بیندیش اما جهانی عمل کن» که پیش از این به کار می‌رفت، در اینجا مصدق می‌یابد.

از این رو می‌توان گفت که توسعه‌ی پایدار فراینده‌ی است که با مشارکت مردم (از پایین) و اقدامات مسئولان (از بالا) شکل می‌گیرد. پیمان‌نامه‌های جهانی که کشورهای گوناگون برای اطمینان بخشیدن به پایداری تدوین کرده‌اند، امری لازم اما ناکافی شمرده می‌شوند. این پیمان‌نامه‌ها در سطح جهان توسط دولت‌های آنها را امضا کرده‌اند اجرا می‌شوند. در اجرای این تعهدات لازم است از خرده‌کاری پرهیز و در سطح کلان عمل کرد.

سرانجام، توسعه‌ی پایدار از نقش مهم اقتصاد و بازارهای ملی آگاهی کامل دارد، اما هرگونه برداشت ساده‌انگارانه‌ای که تحقق «پایداری» را از راه‌های انفرادی کشورها و یا سپردن امور به قوانین بازار امکان‌پذیر می‌داند، مخالف است. شگفت‌آور نیست که برخی از اقتصاددانان نیز در مواجهه با این مفهوم، دچار دردسر می‌شوند. با این حال، بانک جهانی در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند:

اما توسعه‌ی پایدار تنها درباره‌ی رشد اقتصادی نیست... این مفهوم توجه به موضوعات زیست‌محیطی و اجتماعی را الزام‌آور می‌سازد. تنها زمانی رشد درازمدت اقتصادی تحقق‌پذیر است که بهموزات آن به دگرگونی جامعه و مدیریت محیط زیست نیز به طور کامل پرداخته شود.

از این رو، در حالی که ثبات اقتصادی برای کسانی که از راه و روش زندگی‌شان راضی‌اند اصطلاح جذابی است، برای اکثریت مردم تهیdest جهان، سطوح فعلی رشد و توسعه از ثبات و امنیت خالی‌اند. برنامه‌ی

توسعه‌ی سازمان ملل نشان داده است که «خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که برای رسیدن به سطح زندگی سرانه‌ی ۱ دلار در روز، لازم است که کشورهای در حال توسعه به رشد سالانه‌ی $\frac{7}{3}$ درصد دست یابند. اما در ده سال گذشته تنها ۲۴ کشور به چنین رشدی دست یافته‌اند؛ در صورتی که ۱۲۷ کشور که شامل ۳۴ درصد جمعیت جهان‌اند، از رشد کمتری برخوردار بوده‌اند. در ریو، نمایندگان این کشورها آشکارا روش‌ساختند که اگر غربی‌ها مایلند محدودیت‌هایی را در شتاب رشد کشورهایشان، که منابع بسیاری را می‌بلعد و آلودگی‌های فراوانی را سبب می‌شود، پذیرند، از نظر کشورهای تهدیدست بالامانع است؛ اما همین کشورها بر حقوق شان مبنی بر ادامه‌ی رشد و توسعه، همان‌گونه که در بیانیه‌ی استکلهلم نیز پذیرفته شده است، پافشردند. کشورهای توسعه‌یافته به سهم خود با شانه خالی کردن از تعهدات جهانی شان مبنی بر دادن کمک مالی به کشورهای کم توسعه‌یافته‌تر توافق نداشتند که اگر قرار است رشد اقتصادشان را کاهش دهند، برای ایجاد تعادل در توزیع ثروت و منابع میان کشورهای گوناگون، از آمادگی کافی برخوردار نیستند.

با توجه به توضیحاتی که درباره‌ی توسعه‌ی پایدار داده شد، هنوز با این پرسش رویه‌رویم که اهمیت این راهبرد در کجاست، و آیا نه تنها برای هفت نسل آینده بلکه در کوتاه‌مدت نیز به آن نیاز داریم؟

چرا به توسعه‌ی پایدار نیاز داریم؟

تلاش جهانی برای یافتن راهی که به توسعه‌ی پایدار بینجامد از زمانی آغاز شد که بشریت دریافت که راه و روش زندگی اش پایدار نیست. پذیرش این واقعیت تلخ حاصل افزایش آگاهی نسبت به محدودیت‌هایی است که در منابع جهانی ما یافت می‌شوند. با این حال، سوراخ‌تانه، بسیاری از روندهای خط‌ناکی که جامعه‌ی جهانی را وادار ساخت تا به تعهداتی در زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار تن دهد، در مواردی در سی سال گذشته، وخیم‌تر شده‌اند.

کمیسیون برتلند با بازگشت به عقب و کاوش در تجربه‌ی سال‌های ۱۹۸۰ هشدار می‌داد که «برای رشد جمعیت و مصرف منابع، هیچ‌گونه محدودیتی قابل نشده‌ایم... افزایش دانش و توسعه‌ی فناوری ما می‌تواند تا حدودی از اتلاف منابع جلوگیری کند؛ اما به هر حال، منابع فناذیرند. باید پیش از آنکه در تنگنا قرار گیریم، به «پایداری» روی آوریم. جهان باید دسترسی بدون تبعیض به منابع محدود را برای همه‌ی کشورها فراهم سازد و اقدامات تکنولوژیک خود را در جهت کاهش فشارهای ناشی از کمبودها، متمرکز کند». اما چالش مهم‌تر را کمیسیون این‌گونه گوشزد می‌کند، «همان‌گونه که به تدریج نظام جهانی به تنگناهای زیست‌محیطی اش نزدیک تر می‌شود، نابرابری‌ها افزایش می‌یابند». یکی از مشکلات دیگری که امروزه با آن رویه‌رو هستیم این است که هشدارهایی که از نزدیک شدن به خط قرمز محیط زیست خبر می‌دهند، چنان جدال‌برانگیزند که با بی‌اعتنایی مردم رویه‌رو می‌شوند...

یکی از عواملی که برخی از ناظران را بر آن داشت که درباره‌ی تنگناها بیندیشند، آگاهی از آهنگ رشد جمعیت جهان بود. در سال ۱۹۵۰، این جمعیت $\frac{2}{6}$ میلیار نفر بود و در حال حاضر به $\frac{6}{3}$ میلیار نفر رسیده است. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیار نفر، یعنی حدود $\frac{3}{5}$ برابر، افزایش خواهد یافت. بیش از ۹۰ درصد رشد جمعیت جهان در افزایش کشورها روی می‌دهد. همان‌گونه که انتظارات بشر برای بالا تهدیدست‌ترین کشورها روی می‌دهد، همچنان که انتظارات بشر برای بالا بردن سطح زندگی‌شیز زیادتر می‌شود، افزایش جمعیت با آهنگ یاد شده، نیاز به منابع تجدیدپذیر^۱ و تجدیدناپذیر را به نحوی شگفت‌انگیز افزایش می‌دهد.

وانگهی، رشد جمعیت به طور یکنواخت توزیع نمی‌شود. این رشد آشکارا در مناطق شهری با شتاب بیشتری صورت می‌گیرد که پس امده آن آشکارا در کلان‌شهرها و افزایش تعداد آنها، با جمعیتی بیش گسترش جمعیت کلان‌شهرها و افزایش تعداد آنها، با جمعیتی بیش